

کاربرد حروف اضافه در شعر معاصر فارسی

قاسم سالاری^۱

رضا علی اکبری نظر^۲

چکیده

بسیاری از نحویسان و دستور پژوهان (دکتر خیامپور و دکتر خطیب رهبر و استاد محمد معین) در باره حروف اضافه و کارکردهای آن در متون کلاسیک فارسی و زبان فارسی با توجه به تطور سبک های ادبی و مکاتب شعری تحقیق و پژوهش کرده اند. اما آنچه موضوع تحقیق ما در این نوشته هست نه معنای مختلف حروف اضافه، که کاربرد متفاوت این حروف هم در محور افقی شعر و هم کاربرد این حروف با افعال نامتعارف و با هم آمدن دو حرف اضافه بلافاصله باهم، و کارکردهای دیگر است. در این نوشته سعی بر آن است که برای هر کارکرد مختلف حروف اضافه، مثالهایی از چندتن از شاعران معاصر آورده شود که قطعا با تعمق بیشتر در شعر معاصر هم کارکردهای دیگر وهم شاهد مثالهای بیشتری برای این حروف یافت می شود.

کلمات کلیدی: حروف اضافه، شعر معاصر، کاربرد حروف

مقدمه:

با ظهور نیما، در شعر فارسی تحولات بنیادین فراوانی رخ داد. نه این که فقط قالب شعر نشانه گرفته شد که نگاه شاعر به معنا و زبان و محتوا و مفهوم شعر کاملا تغییر کرد.

ابتدا مشکلات انسان معاصر و خواسته هایش مورد توجه قرار گرفت و کم کم همه ی جنبه های ذهنی و زبانی شعر مورد دستکاری-با نگاهی متفاوت- قرار گرفت.

یعنی "با شستن چشم ها" و "جور دیگر دیدن" هر شاعر سعی کرد در شعر فارسی طرحی نو در اندازد. یکی وزن عروضی را به هیچ گرفت (شاملو) و دیگری هم و غم خود را بر جنبه های غنایی شعر متمرکز کرد (سید علی صالحی) و دیگری بر کارکردهای متفاوت زبان شعر ابرام ورزید (احمد رضا احمدی) و... البته تغییرات در شعر فارسی خیلی اساسی تر از این موارد است. به گونه ای که مثلا در قالب شعر غزل- مثنوی و غزل سپید و... به وجود آمد و گونه های تازه ای چون شعر کانکریت، ترانک و طرح و شعر حرکت و.. وارد شعر فارسی شد، که منتقدین و تئوریسین های شعر از آنها به "هنجار گریزان" و یا "هنجارستیزان" تعبیر می کنند.

خود نیما صد البته یکی از این هنجارستیزان هم در حوزه ی زبان و هم در حوزه ی ذهن و نگاه شاعرانه است. وی با نگاهی متفاوت و با نیم نگاهی به نحو زبان طبری طرحی نو در نحو زبان شعری خود در می اندازد و یکی از دلایل مشکل بودن زبان شعری وی نیز همین نگاه متفاوت می باشد. و گاه با کاربرد حروف اضافه به جای یکدیگر هنجار گریز می شود:

الف) کاربرد حرف اضافه به جای حرف دیگر:

بر گرد او به هرسر شاخی پرندگان ("به" به جای بر) (نیما یوشیج، ۱۳۸۹: ۷۳۷)

ب) حذف و تخفیف:

هنگام که گریه می دهد ساز (هنگامی) (همان، ۳۲۵)

دم زن که بود چنان گرم سخن (آن دم که ...)

(همان: ۵۸۵)

^۱ استادیار دانشگاه یاسوج

^۲ دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

عده ای از شاعران معاصر بر این عقیده اند که باید زبان شعر را برجسته کرد و اصلاً هدف شعر نیز همین است! این عده که به "زبان گراها" موسومند تنها ویا غالباً به زبان ورزی در حوزه ی شعر معاصر نظر دارند. این عده (براهنی، رویایی، و...) بر آنند تا هنجار مالوف شعر معاصر را به هم ریخته و نحوی نامانوس را به شعر عرضه کنند.

این گروه وقتی دریافتند که "قصب السبق" محتوا را دیگر شاعران ربوده اند برای عقب نماندن از گروه نوآوران به ارگانیکم زبان شعر حمله ور شدند!

البته با رعایت انصاف در این حوزه کارکردهای متفاوتی از حروف اضافه و ربط و فعل و... رخ داد و به غنای زبان فارسی در حوزه ی دستورکلمک های شایانی شد. بسیاری از این شاعران فراموش کرده بودند که نو آوری در حوزه ی ادبیات مانند آزادی در عرصه ی یک کشتی است که اگر از این عرصه زیاد دور شدی حاصلی جز غرق شدن ندارد!

لازم به ذکر است که شاعران زبان گرا بر خلاف شاعران مفهوم گرا بر آنند تا نحوی جدید را در حوزه ی شعر ارائه دهند و دلیل این کار را در این نکته توجیه می کنند که مفاهیم دنیای مدرن نحوی متفاوت را می طلبد و زبانی متفاوت را!

"شعر یک هنر زبانی است و طنین کلمه ها موثرتر از معانی و مفهوم آنها!" (یداله رویایی، ۱۳۴۰: ۴۵) چه بسیار شاعرانی که با برجسته کردن این گرایش، زبان گرایی در شعر، آنقدر دخل و تصرف در نحو و صرف زبان شعر نمودند که گویا کمر به قتل مفهوم شعر بسته اند و به همین دلیل نیز شاعران "معنا گریز" لقب گرفتند. آنها البته این معنا گریزی را برای خود حسن می دانستند. "این خرده گیران بی انکه بدانند دارند ما را تحسین می کنند." (همان، ۴۷) براهنی در تاکید این معنا گریزی اشاره می کند که: "اگر با معنا سروکار داشته باشیم، جهانی که از آن حرف می زنیم جهانی ایستاست" (براهنی، ۱۳۸۰: ۱۷۵) تخریب زبان معمول و در هم ریختن گفتار معمول ابتدا توسط فرمالیست های روسی مطرح شد مانند: تیتانوف، توماشفسکی، یا کوبسنو ... علی بابا چاهی؛ ۱۳۷۷: ۱۳۲

غور و تتبع در این حوزه (البته به صورتی غیر اریبانه) گاه هنجار گریزی و هنجارستیزی را به نوعی "هدیان زبانی" منجر کرد: و بعد شیر آب را می فشاند بر ریش من/ و عور روی سینه من/ او او می افتد/ و شیر می خورد/ و می گوید توشیر بیشه بارانی منی/ منی و اتفاق می افتد/...

همان؛ صص ۸۵-۸۴

گویا اینان به این جمله ی معروف مارسل پروست ایمان آورده اند که: "نوشتن و آفریدن زبان در زبان، و خلق زبان جدید در زبان است" لازم به ذکر است که نحوستیزی و کارکرد جدید از حروف اضافه و ربط عمری دارد به درازای عمر شعر فارسی.

دکتر شفیعی کدکنی معتقد است که: "می توان در مورد "او" های شعر سعدی رساله ای جدا گانه نوشت".

شفیعی کدکنی؛ ۱۳۷۳: ۶۷۱

ما نتوانیم و عشق پنجه در انداختن

سعدی؛ ۱۳۷۲: ۶۷۱

همان؛ ۷۴۷

شکنجه صبر ندارم بریز خونم ورستی

عده‌ای باور دارند که صورت زدایی از دو عنصر کلاسیک ورمانتیک آینده‌ی شعر را رقم می‌زنند و این البته حداقل کاراست.

شعری که مورد نظر ماست شعری است که "باید از بیا درون(اظهاریه) و بیان بیرون(محاکات) خالی شود، پس آن چه می‌ماند نفس زبان است و صناعت که در خدمت هیچ چیز دیگری نیست لذا دستور زبان از میان بر می‌خیزد" علی انصاری فرد؛ ۱۳۷۸: ۶۵

آقای افشین دشتی جواب این اظهار نظر را این گونه می‌دهد که "نحو مالوف و سنگ شده‌ی فارسی مورد پذیرش هیچ ادیبی نیست اما نمی‌شود به هیچ نحوی نیز پای بند نبود" افشین دشتی؛ ۱۳۷۸: ۶۵
مایا کوفسکی نیز معتقد است که این اصول وقواعد را (صرف و نحو) شاعر است که می‌سازد.
مخلص کلام این که از همه‌ی موارد نحو ستیزی و هنجار گریزی چه در حوزه‌ی ذهن و چه در حوزه‌ی زبان بر آنیم تا به بررسی کارکردهای متفاوت حروف اضافه در شعر چند تن از شاعران معاصر پردازیم.

کارکردهای متفاوت حروف اضافه در شعر معاصر:

- ۱- آوردن حروف اضافه با فعل؛ که معمول آن است که این حرف اضافه باید با مصدر به کاربرد:
دوست دارم از تو بگویم را... یداله رویایی؛ ۱۳۷۹: ۱۷۲
از خواهم داشت به..... همان؛ ۱۷۳
- ۲- به کار بردن دو حرف اضافه با هم؛ که یکی نقش حرف اضافه را بازی میکند و دیگری نقش اسم بعد از حرف اضافه را از به تو گفتن یا: از به شباهت همان؛ ۱۷۲
از به زیبایی و.... همان؛ ۱۷۲
- ۳- به کاربردن حرف اضافه با کلمات نامتعارف و نامتناسب با آن حرف اضافه: هر چه در شباهت/ از مدار می افتد یداله رویایی؛ ۱۳۷۹: ۷۸
که این گونه ترکیبات باید به جمله‌ای دیگر تاویل شوند که نگارنده نام این حروف را "حروف اضافه‌ی تاویلی" می‌گذارم.
- ۴- حرف اضافه + اسم + فعل لازم:
از سرعت ایستادم همان؛ ۱۷۸
که "سرعت" به جای دویدن به کاررفته است که این بند شعر هم تاویل می‌شود به:
از سرعت خود یا از شتاب خود کم کردم
۵- حرف اضافه (از) + اسم = فعل نامتعارف:
از ترس بودم / از شرم بودم / از حیف / از نفس بودم.... یداله رویایی؛ ۱۳۷۹: ۶۹
فروغ فرخزاد می‌گوید: من از تو می‌مردم فروغ فرخزاد؛ ۱۳۷۹: ۶۹
- ۶- آمدن حرف اضافه بین دو کلمه که این دو کلمه جای خود را در ساختار زنجیره‌ای (افقی) جمله جا به جا کرده‌اند
وقتی فرار / رسم در دایره می‌کرد یعنی: در دایره رسم می‌کرد. یداله رویایی؛ ۱۳۷۹: ۱۴۵
تا شکل فرار گم در رسم شود یعنی: در رسم گم شود همان؛ ۱۴۵
- ۷- آوردن دو حرف اضافه با هم به طوری که دومی زاید به نظر می‌رسد:
با توشه‌ای از نگاه / بی از دست.... بی دست همان؛ ۱۵۹
- ۸- به کاربردن حرف اضافه به جای حرف اضافه‌ی دیگر:
در ولع..... به جای با ولع

کتاب در ولع تشنه ی کویر
۹- به کاررفتن حرف اضافه به جای یک کلمه!
مثلا حرف اضافه ای جای ردیف را در یک شعر می گیرد:
اگر اگر این تو، تو و تو، بی من، با
من از من آمده باشی و وقت رفتن با
به جز که که من بروی این معادله هرگز
نمی رسد به جوابی تویی من و من با
.....
محمد سعید میرزایی؛ ۱۳۸۲:۳۴

یا:

تو روزهایی راشب شدی که فردا بی
گلی که بی باران، ماهی ای که دریا بی
تو تور پاره ی خود را کشیدی از دریا
نه یک پری شدی و نه دختری که چشم آبی
تورا حروف اضافه گره زدند به خود
و هیچ اجازه ندادند متن خود را بی..... همان: ۲۴۰
۱۰- به کاررفتن دو حرف اضافه با هم که یکی نقش حرف اضافه را دارد و دیگری نقش اسم را (متمم)
بی با نه/بانه/بابا... براهنی؛ ۱۳۷۴:۱۴۵

که می خورم خون از چرخ، می خورم از چرخ
که می خورم از "از" می خورم- اضافه ی بد!
محمد سعید میرزایی؛ ۲۴۲ ک ۱۳۸۲
۱۱- حرف اضافه ای که تشخیص می یابد و جای اسم یا شی یا انسان قرار می گیرد و نقش نحوی پیدا می کند:
من در عبور فاصله ها را شناختم
"بی" را شناختم من و "با" را شناختم
محمد علی بهمنی؛ ۱۳۸۰:۲۳
که دو حرف اضافه نقش مفعولی گرفته اند

یا:
ماهی قشنگ حجله ی دریا، عروس من
"بی" را نداشت دوست که با "با" نشسته بود
رضا علی اکبری؛ ۱۳۸۵:۴۴
که حرف اضافه اولی نقش مفعولی و دومی نقش متممی دارد.

۱۲- به کاررفتن دو حرف اضافه با هم که هیچ کدام را نمی شود حذف کرد و جمله با بودن هر دو حرف
اضافه معنا پیدا می کند:

ما خاطر هایم از به نجواها یعنی ما خاطره های نجوا شده ایم رویایی؛ ۱۳۷۹:۱۷۳
نکته: ممکن است این قسمت با مثالهای شماره (۲) اشتباه گرفته شود اما دو تفاوت اساسی با هم دارند:
۱- آن جا می شد حذف اضافه ی اول را حذف کرد: از به تو گفتن... از تو گفتن
۲- آن جا حرف اضافه جلو یک عبارت اسمی یا فعلی می آمد:
از به آرامی (عبارت اسمی)
از به تو گفتن (عبارت فعلی)

نتیجه گیری:

شاعران همواره علیه زبان عادی شورش کرده اند و اتفاقاً یکی از تعاریف شعر نیز همین است. یا کوبسن روسی شعر را هجومی سازمان یافته علیه زبان روزمره می داند. هر شاعری در یک سطح و با توجه به ذوق خود به زبان حمله ور می شود! یکی در سطح صرف، یکی در حوزه ی نحو، و....

مولوی بزرگ به اسم پسوند "تر" اضافه می کند و کارکردی شبیه صفت را از اسم می گیرد
ای می بترم از تو، من باده ترم از تو
شاملو پسوند "ناک" را به اسم ذات اضافه می کند: نمی رقصانمت در دودناک عنبر امید
شاملو؛ ۱۳۳۵: ۱۳۷

و....

این نوشته مختصر به بررسی حروف اضافه با کارکردهای نامتعارف می پردازد و نشان می دهد که می شود به زبان حتی در سطح حروف نگاهی نو داشت بی آن که زبان به سخره گرفته شود.

منابع و مأخذ:

- احمد شاملو، مجموعه ی آثار، دفتر یکم، انتشارات نگاه، ۱۳۸۲، چاپ پنجم
 - رضا براهنی، خطاب به پروانه ها و...، نوید شیراز، ۱۳۷۲، چاپ اول
 - رضا علی اکبری، اتوبوس نیامدن، سوره ی مهر، ۱۳۸۵، چاپ دوم
 - عبدالمحمد دلخواه، زبان شناسی شعر نیما، کوشاه مهر، ۱۳۷۷، چاپ اول
 - علی باباچاهی، گزاره های منفرد، انتشارات نارنج، ۱۳۷۷، چاپ اول
 - سعدی شیرازی، غزلیات، انتشارات مهتاب، ۱۳۷۲، چاپ ششم
 - فروغ فرخزاد، دیوان اشعار، انتشارات مروارید، ۱۳۷۴، چاپ چهارم
 - محمدرضا شفیعی کدکنیف موسیقی شعر، انتشارات آگاه، ۱۳۷۳، چاپ چهارم
 - محمد سعید میرزایی، الواح صلح، انتشارات همسایه، چاپ اول
 - نیما یوشیج، مجموعه اشعار، انتشارات نگاه، ۱۳۸۹، چاپ دهم
 - یداله رویایی، لبریکته ها، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۷۱، چاپ دوم
 - -----، گزیده اشعار، انتشارات مروارید، ۱۳۷۹، چاپ اول
- مجلات:
- علی انصاری فرد، مجله کارنامه، آینده شعر فارسی، شماره ۱۶، ۱۳۷۸
 - افشین دشتی، مجله کارنامه، ماناگزیر از نحو هستیم، شماره ۱۸، ۱۳۷۸
 - یداله رویایی، کتاب هفته، ۱۳۴۷، شماره ۱۱



همایش ملی پژوهشهای شعر معاصر فارسی

www.anjomaniarsci.ir